

## روز به روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته یابی و نکته سنجی زندگی شهدا در جامعه ما رواج پیدا کند.

بیانات رهبر معظم انقلاب (۹۳/۱۱/۲۷)

انگیزی فداکاری در راه خدا و شهادت در این راه، در سطوح گوناگون در جامعه‌ی ما رواج و گسترش داشته؛ این خیلی مطلب مهمی است. استاد دانشگاه می‌رود شهید می‌شود، هنرمند می‌رود شهید می‌شود، دانشجو می‌رود شهید می‌شود. بسیاری از این نام‌آوران عرصه‌ی دفاع مقدس ما - که نامهایشان زینتبخش خیابانهای ما و مراکز ما و عکسهایشان زینتبخش محیطهای زندگی ما است - یا اغلبشان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلمانی بودند، اساتیدی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقدیم کردند؛ این بسیار مهم است.

جلسات بزرگداشت، ادامه‌ی حرکت جهادی و ادامه‌ی شهادت است. اگر نام شهیدان ما تکرار نمیشد، تجلیل نمیشدند و احترام به آنها و خانواده‌های آنها در جامعه‌ی ما به‌صورت یک فرهنگ درنیامد - که خوشبختانه به‌صورت فرهنگ درآمده - امروز بسیاری از این یادهای ارزشمند و گرانبها فراموش شده بود؛ این ارزشگذاری عظیمی که با حرکت شهادت در یک جامعه به‌وجود می‌آید، به فراموشی سپرده شده بود. نباید بگذارید این اتفاق بعد از این هم بیفتد؛ روزبه‌روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند. و اگر این شد، آنوقت مسئله‌ی شهادت که به معنای مجاهدت تمامعیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد داشت؛ پیش خواهد رفت. عیناً مثل ماجرای حسینعلی (علیه‌السلام)؛ امروز ۱۳۰۰ سال یا بیشتر از شهادت حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) می‌گذرد و روزبه‌روز این داستان برجسته‌تر و زنده‌تر شده. این داستان در بطن خود دارای یک مضامینی است که این مضامین برای حیات اسلامی جامعه ضروری است. اگر این مضامین گسترش پیدا نمی‌کرد، از اسلام و از قرآن و از حقایق معارف اسلامی هم امروز خبری نبود. اینجا هم همین‌طور است؛ نگذارید نام شهدا و یاد شهدا فراموش بشود یا در جامعه‌ی ما کهنه بشود؛ و البته با ابتکارات؛ این جلسات بزرگداشتی که آقایان به‌وجود می‌آورید - که خیلی باارزش است - صرفاً یک جلسه‌ی ترحیم باشکوه نیست؛ این جلسات، دارای مضامین ویژه‌ی خودش است؛ بایستی شهادت را معنا کند، شهید را معرفی کند، فرهنگ شهادت را در جامعه ماندگار کند.

در مورد شهید خدای متعال می‌فرماید که اینها زنده‌اند: **وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ. (۲) وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ\* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. (۳)** اینها آیات قرآن است؛ اینها صریح در یک معارفی است که از این معارف هیچ مسلمانی نمیتواند چشم‌پوشد. هر کسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد. این آیه‌ی شریفه قرآن می‌گوید اینها زنده‌اند؛ حیات اینها یک حیات واقعی است، یک حیات معنوی است و نزد خدای متعال مرزوقند؛ یعنی دائم تفضلات الهی دارد به اینها میرسد؛ **فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.** آن طرف مرز زندگی و مرگ چه خبر است؟ انسانها از آن عالم و نشئی مجهول چه میدانند؟ در مورد شهدا میدانیم که اینها خرسندند، خوشحالند، مسرورند؛ **فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.** بعد از این بالاتر: **وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ؛ (۴)** یعنی با ما دارند حرف می‌زنند، خطاب میکنند به ما: **أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۵)** خیلی مهم است؛ این گوشه‌ی که بتواند ندای ملکوتی شهدا را بشنود، این گوش را باید در خودمان به‌وجود بیاوریم. آنها دارند به ما بشارت میدهند، مژده میدهند، خوف و حزن را نفی میکنند: **أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.** ما بر اثر ضعفهای خودمان دچار خوف میشویم، دچار حزن میشویم؛ اینها به ما می‌گویند که شما

خوف ندارید، حزن ندارید یا در مورد خودشان میگویند یا در مورد ما - بنابر اختلافی که حالا در تفسیر این آیهی شریفه ممکن است مطرح بشود - خوف و حزن را بر میدارند؛ چه در این نشئه، چه در آن نشئه. برای یک ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهدا است به ما؛ که باید این پیام را شنید. شماها با این جلسات، با این اجتماعاتی که تشکیل میدهید، موظفید این پیام را به گوشها برسانید. نکتهی خوبی را برادرمان (۶) گفتند که وقتی جلسهای تشکیل میشود در بزرگداشت شهیدان، آنهایی که شرکت میکنند در این جلسه، هرچه دارای ارج و مقام باشند، بیش از آنچه آنها به آن جلسه برکت و فایده و عظمت بدهند، آن جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت میدهد؛ واقع قضیه این است. کاری کنید که این جلسات، این برکات را داشته باشد؛ اینها را گسترش بدهد، این فرهنگ را در جامعه گسترش بدهد. ملت ایران کار بزرگی انجام داد؛ کار عظیمی انجام داد. در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملتهای مستضعف در مناطق فراوانی از عالم دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سر بلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطهگری است و ما از آن تعبیر میکنیم به نظام سلطه - نفی کرد؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطهگر و سلطهپذیر است، نفی کرد. مبنای دنیای قدرتمند چپاولگر، بر تقسیم دنیا به سلطهگر و سلطهپذیر است؛ امروز هم همینجور است، در دورانی که انقلاب اسلامی بهوجود آمد هم همینجور بود و در طول تاریخ هم همینجور بوده است؛ البته امروز شدیدتر از دورانهای گذشته است؛ چون امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست؛ لذا سلطهگران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند بهطور کامل استفاده میکنند؛ منابع را میبرند، فرهنگها را نابود میکنند، انسانها را تذلیل میکنند، در بین ملتهای مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش میدهند؛ و فجایع فراوان دیگر. در مقابل این حرکت، یک هویتی بهوجود آمد به نام انقلاب اسلامی که متکی بود به مبانی وحی، مبانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحت دارد آن را بیان میکند؛ این حرکت ملت ایران است. این حرکت بحمدالله روزبهروز هم توسعه پیدا کرده؛ این حرکت پیش رفته.

ما مدعی نیستیم که توانستیم اهداف اسلامی را در کشور پیاده کنیم؛ ما این را اصلاً ادعا نمیکنیم. ما در بسیاری از موارد توانایی هایمان محدود بوده است و آنچه را میخواستیم عمل کنیم، نتوانستیم در آن حد مورد علاقهی خودمان عمل کنیم اما حرکت خودمان را ادامه دادیم؛ ما به سمت این قله داریم حرکت میکنیم. سعی کردند ما را از این حرکت پشیمان کنند، نتوانستند؛ سعی کردند متوقف کنند، نتوانستند؛ سعی کردند ما را به عقب برگردانند، نتوانستند. بله، به قله نرسیدیم اما از این دامنه، مبالغ زیادی حرکت کردیم و پیش رفتیم و این حرکت ادامه دارد و این انگیزه ادامه دارد و این انگیزه روزبهروز انشاءالله بیشتر خواهد بود و متوقف نمیشود. یک روزی بعضیها فکر میکردند و بعضیها هم به زبان میآوردند که آقا شما این بجههای دانشجو را دارید میبرید جبهه - درحالیکه ما نمیبردیم، خودشان داشتند با شوق میرفتند؛ آنهایی هم که جلویشان گرفته میشد، با انواع تلاشها و ترفندها افراد پیرامون خود را وادار میکردند که اجازه بدهند بروند - دانشگاهها خالی میشود، علم متوقف میشود؛ حرکت آنها و تلاش آنها و مجاهدت آنها موجب شد که ما در حرکت علمی خودمان؛ از سایر حرکاتی که در جامعه بهوجود میآید، بیشتر و بیشتر جلو برویم. بحمدالله امروز ما در حرکت علمیمان در سطح کشور، یک وضعیت قابل قبولی داریم؛ یک وضعیت افتخارآمیزی داریم؛ آن روز تصور نمیشد؛ آن روز شاید گفته میشد که اگر چنانچه این نخبه، این هنرمند، این دانشجو، این استاد، این معلم برود به جبهه و کشته بشود، خلأ بهوجود میآید. معلوم شد که برکات شهادت و جهاد در راه

خدا خیلی بیش از این حرفها است. آنها رفتند، [اما] امروز بحمدالله برجستگانی بهوجود آمدند که در عالم علم، در زمینهای هنر، در بخشهای گوناگون، برجستهاند؛ یعنی قابل نشان دادن در سطح بینالمللی و جهانی هستند. اینها برکات حرکت و مجاهدت یک ملت است و این ادامه خواهد داشت؛ پیش خواهد رفت و ادامه خواهد داشت.

من عقیده‌ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است؛ این یک نیازی است که ما - چه آدمهای مقدّس‌آب و متدینی باشیم؛ چه آدمهایی باشیم که خیلی هم مقدّس‌آب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه‌مندیم - هر جور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده‌ی این کشور، حیاتی و ضروری است. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همهی مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ی ای اگر جا افتاد، درست نقطه‌ی مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه‌چیز را برای خود و با محاسبه‌ی شخصی می‌سنجد؛ برای همه‌چیز یک قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ»؛ (۷) اینها کسانی هستند که ایثار میکنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقّف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت.